

شهریه مدرسه غیردولتی ۵۰ میلیون؛ حقوق معلم ۲ میلیون تومان!

گزارشی از وضعیت معلمان مدارس غیرانتفاعی که با کمترین حقوق و مزایا، بدون امنیت شغلی کار می‌کنند

دو میلیون تومان در ماه رسیده است. من پارسال یک میلیون و ۱۰۰ تومان دریافتی ماهیانه‌ام بود و فقط فقط عشق به معلمی و آموزش بچه‌هاست که من را در این شغل نگه داشته. اگر عشق به بچه‌ها نباشد، هیچ انگیزه‌ای برای اینکه فردا دوباره به مدرسه بیایم باقی نمی‌ماند.»

چرا هیچ فکری برای جذب نیروهای غیرانتفاعی نشده است
امسال آموزش و پرورش نیروهای نهضت، خدماتی، طرح امین (طلاب) را از طریق آزمون‌های داخلی جذب کردند اما هیچ فکری برای نیروهای غیرانتفاعی نشده است. چرا نیروهای با سابقه و کارآموده مدارس غیرانتفاعی نادیده گرفته شده‌اند؟ این معلم‌ها سابقه بالایی که در تدریس و گذراندن دوره‌های مختلف آموزشی و همچنین گزینش آموزش و پرورش دارند می‌توانند جایگزین بسیار مناسبی برای نیروهای بازنشسته باشند و آموزش و پرورش می‌تواند با استفاده از سنوات خدمات‌شان و سابقه‌های آموزشی، کمبود نیروی انسانی‌اش را از این طریق جبران کند. چرا که این وزارتخانه هم اکنون تعداد ۱۲۰ هزار معلم در بدنه آموزش و پرورش کم دارد. مراد خانی، مسئول روابط عمومی سازمان مدارس غیردولتی، درباره پیگیری وضعیت استخدام این گروه از معلم‌ها به «شهریه» توضیح می‌دهد: «ماتابع قانون هستیم؛ قوانین استخدام کشوری است و مجلس باید درباره تبدیل وضعیت این گروه از معلم‌ها تصمیم بگیرد.»

حقوق باید بر اساس قانون کار باشد؛ غیر از این است شکایت کنند

او که سابقه نظارت بر عملکرد مدارس غیرانتفاعی تهران را داشته می‌گوید: «بارها از بحث استخدامی معلم‌های غیردولتی دفاع و موضوع را در موقعیت‌های تصمیم‌گیری مطرح کرده‌ام، اما آموزش و پرورش و سازمان مدارس غیردولتی صرفاً وظیفه آموزش‌های ضمن خدمت برای ارتقای مهارت معلم‌ها و البته گزینش آنها را دارد.» مراد خانی تأکید می‌کند که دریافتی این گروه از معلم‌ها باید بر اساس قانون کار باشد اگر غیر از این است آنها باید به آموزش و پرورش منطقه شکایت کنند. البته این مسئول مربوطه بر این نکته هم اذعان دارد که اغلب این معلم‌ها برای اینکه موقعیت شغلی‌شان به خطر نیفتد، معمولاً نسبت به حق و حقوقی که در مدرسه برایشان تعیین می‌کند، اعتراضی نمی‌کنند. پرسنل مدارس غیردولتی را موسسان و مدیران مدارس انتخاب می‌کنند و کاری که آموزش و پرورش در قبال آنها انجام می‌دهد، آموزش‌های ضمن خدمت و گزینش‌های سالیانه است. «دریافتی این معلم‌ها باید بر اساس قانون کار باشد و این دیگر به وجدان عمومی حاکم بر مدیریت مدارس غیرانتفاعی برمی‌گردد که چقدر مقام معلم را ارزشگذاری کند.»

خبرهای خوب از مجلس شورای اسلامی برای معلم‌های غیرانتفاعی

گفتنی است اخیراً طرحی در کمیسیون آموزش مجلس در حال بررسی است که اگر به نتیجه نهایی برسد خانواده‌های آموزش و پرورش اعم از غیرانتفاعی‌ها، نهضتی‌ها، خرید خدمتی‌ها، قبل و بعد از سال ۱۳۹۱ ساماندهی شده و با برگزاری یک آزمون داخلی در وزارت آموزش و پرورش برای همیشه تکلیف آنها مشخص خواهد شد. محمدرضا احمدی، عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی درباره عدم تعیین تکلیف و ساماندهی معلمان مدارس غیرانتفاعی می‌گوید: «بعد از تصویب این قانون دیگر معلمان با عناوین مختلف شغلی که به صورت غیررسمی در آموزش و پرورش فعالیت می‌کنند، نخواهیم داشت و بعد از آن جذب معلمان در این وزارتخانه فقط باید از مسیر دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی صورت گیرد.»



بازنشسته باشند و آموزش و پرورش می‌تواند با استفاده از سنوات خدمات‌شان و سابقه‌های آموزشی، کمبود نیروی انسانی‌اش را از این طریق جبران کند. چرا که این وزارتخانه هم اکنون تعداد ۱۲۰ هزار معلم در بدنه آموزش و پرورش کم دارد. قراردادها ۸ ماهه است و متأسفانه ملاک عقد قرارداد مهارت و دانش آموزگار نیست. «ممکن است مدیر مدرسه سال آینده کسی را بپیدا کند که با مبلغ قرارداد پایین‌تر هم حاضر به کار در مدرسه‌اش باشد. طبیعی است که برای کاهش هزینه‌هایش او را انتخاب می‌کند و به راحتی من را کنار می‌گذارد.»

معلم، محور انجام کارهای مدرسه است و بلبه قربان گوی همه
این معلم توضیح می‌دهد که در پردیس تهران، مدارس دولتی نیاز به نیرو دارند، اما استخدام نمی‌کنند؛ چون باید نیروی با سابقه و تجربه را استخدام کنند و هزینه‌های استخدامی و قراردادی وزارتخانه هستند، بدون هیچ مشکلی جذب مدارس غیرانتفاعی می‌شوند. نکته قابل توجه در این میان این است که کیفیت کار معلم غیرانتفاعی زیر ذره بین قرار دارد و مرتباً درصد می‌شود در صورتی که این سختگیری‌ها برای مدارس دولتی اصلاً وجود ندارد. «ما چرا برعکس می‌شود؛ در مدارس دولتی، اولیا بلبه قربان گوی معلم هستند و اگر هم کارش را خوب انجام ندهند نهایتاً مدرسه یا منطقه آموزشی‌اش عوض می‌شود؛ چون استخدام آموزش و پرورش است. این در حالی است که معلم غیرانتفاعی اصلاً نمی‌تواند با کیفیت پایین کار کند؛ مدرسه و خانواده‌ها همه از معلم توقع بهترین کار را دارند و همه بار زحمت مدرسه بر دوش معلم است. معلم، محور انجام کار است.»

تصور جمعی ما این است که در آموزش و پرورش هیچ هویتی نداریم

محمدی ۱۲ سال سابقه تدریس در مدارس غیردولتی دارد. او به «شهریه» می‌گوید: «هیچ‌گونه مزایایی به معلم‌های مدارس غیردولتی چه در مدرسه و چه در آموزش و پرورش تعلق نمی‌گیرند. تصور جمعی ما این است که در آموزش و پرورش هیچ هویتی نداریم.» در حالی که هر محصل برای هر سال تحصیلی بالای ۱۰ میلیون تومان به مدرسه هزینه می‌دهد. در کمترین حالت هر کلاس هفت دانش آموز دارد و مدرسه سالانه ۷۰ میلیون از دانش آموزان یک کلاس بابت آموزش پول می‌گیرد. «نه عیدی، نه هدیه روز معلم. باورش سخت است. سال گذشته روز معلم کارت هدیه به ما دادند. رتیم عابریانک و دیدم مبلغ کارت ۱۰۰ هزار تومان است. حقوق مان امسال با خواهش و تمنا به

هر هشت ماه این شرایط بی‌ثباتی برای ما تکرار می‌شود.» یکی دیگر از معلم‌های مدارس غیردولتی که از نبود پشتوانه حمایتی از سوی مدارس گلایه دارد، به «شهریه» توضیح می‌دهد: «ما حتی عیدی نداریم؛ از من معلم در ابتدای راه چک ضمانت می‌گیرند تا نسبت به کارم متعهد باشیم. خودشان می‌دانند این سختی کار و حقوق ناچیز، خیلی‌ها را در میانه راه دلسرد می‌کند و ممکن است در نیمه سال تحصیلی معلم‌ها کار را رها کنند و بروند.»

دوره‌های ضمن خدمت و گزینش داریم اما امنیت شغلی نه
او از دوره‌هایی که آموزش و پرورش برایشان برگزار می‌کند، می‌گوید: «دوره‌های آموزشی و یک سری دوره‌های ضمن خدمت تحت عنوان دوره‌های مهدوی برایمان گذاشته‌اند که خودمان هزینه می‌دهیم و در این دوره‌ها شرکت می‌کنیم.»

یک سری دوره‌های رایگان هم برایشان از طرف آموزش و پرورش برگزار می‌شود؛ همان دوره‌های ضمن خدمت. برای معلم‌های مدارس دولتی که استخدام پیمانی و قراردادی وزارتخانه هستند، این دوره‌ها امتیاز محسوب می‌شود اما برای ما صرفاً ارتقای دانش و مهارت آموزگاری. بدون هیچ امتیاز و صدور گواهینامه خاصی.» برای معلم‌های مدارس غیرانتفاعی هر دوره‌ای که شرکت کنند، تغییری در وضعیت استخدامی‌شان ندارد. «نه سنوات داریم و نه سابقه کار که دوره‌های آموزشی در ارتقای شغلی مان تأثیر بگذارد.» گزینش اما سرچایش است. «سوالات مرتبط با احکام و علوم دینی؛ مثل معلم‌های مدارس دولتی هر سال گزینش‌هایمان به روز و روز کنترل می‌شود.» شرایط کاری برای این گروه از جامعه معلمان که خودشان را از بدنه نظام آموزشی می‌دانند، بسیار ناایمن است؛ این نکته حتی از سختی کار، فشار بیشتری رویشان می‌گذارد. «شرایط سختی کار زمانی قابل تحمل می‌شود که بدانیم آینده شغلی داریم و زحمت‌هایی که می‌کشیم در ارتقای شغلی مان تأثیر دارد، اما متأسفانه برای ما ارتقای شغلی و آسودگی خاطر از اینکه سال آینده هم شاغل باشیم، یک شوخی است.» امسال آموزش و پرورش نیروهای نهضت، خدماتی، طرح امین (طلاب) را از طریق آزمون‌های داخلی جذب کردند اما هیچ فکری برای نیروهای غیرانتفاعی نشده است. چرا نیروهای با سابقه و کارآموده مدارس غیرانتفاعی نادیده گرفته شده‌اند؟ این معلم‌ها با سابقه بالایی که در تدریس و گذراندن دوره‌های مختلف آموزشی و همچنین گزینش آموزش و پرورش دارند، می‌توانند جایگزین بسیار مناسبی برای نیروهای

راضیه زرگری «هر وقت برای حقوق، بیمه و مزایا به مدیران مدارس غیرانتفاعی اعتراض می‌کنیم به ما می‌گویند نیرو زیاد است. می‌توانید نیایید.» این عبارت شروع درد دل معلمی است که ۵ سال است در مدارس غیردولتی تدریس می‌کند و دریافتی ماهیانه‌اش ۲ میلیون تومان است.

شهریه دریافتی یک مدرسه غیر انتفاعی در قطریه تهران برای پایه اول و دوم ۳۵ میلیون تومان و برای پایه‌های سوم و چهارم و پنجم حدود ۵۰ میلیون تومان است. کمی که به محدوده‌های مرکزی شهر نزدیک‌تر می‌شویم این شهریه‌ها کمی متعادل‌تر می‌شود و بین ۲۵ تا ۳۵ میلیون تومان فقط برای دوره‌های ابتدایی در نوسان است و مقاطع بالاتر رقم‌های بیشتری را دریافت می‌کنند اما مناطق مرکزی به پایین‌تر مدارس غیردولتی بین ۱۴ تا ۲۰ میلیون تومان از خانواده‌ها دریافت می‌کنند که البته بسته به توان خانواده‌ها گاهی یک تا دو میلیون تومان نیز به خانواده‌ها تخفیف داده می‌شود. این مبالغ در حالی از خانواده‌ها دریافت می‌شود که بسیاری از معلم‌های مدارس غیردولتی بیمه ندارند؛ در مناطقی بر اساس نظارت‌های سازمان مدارس غیرانتفاعی مدیران مدرسه مجبور می‌شوند معلم را بیمه کنند. با این حال اغلب این مدارس برای توجیه قانونی بودن کارشان معلم‌ها را ۱۵ روز بیمه می‌کنند. حقوق معلم‌های غیرانتفاعی با ۱۵ روز بیمه در ماه تقریباً یک میلیون و ۶۰۰ هزار تومان است. یکی از همین معلم‌ها که سال‌هاست در مناطق شمال شهر تهران و منطقه پردیس در مقطع ابتدایی تدریس می‌کند، به «شهریه» توضیح می‌دهد: «می‌گویند معلم غیرانتفاعی نباید زیر دوونیم میلیون تومان حقوق بگیرد. اما قراردادها با بیمه ۱۵ روزه بسته می‌شود و دریافتی معلم‌ها معمولاً زیر دو میلیون تومان است. خیلی راحت می‌گویند اگر کسی شکایتی دارد پرونده آموزش و پرورش شکایت‌کنند.»

نتیجه شکایت، از دست دادن شغل است

ولی نتیجه شکایت، از دست دادن شغل است. چه کسی دوست دارد در این شرایط و وخیم اقتصادی شغلش را از دست بدهد؟ آموزش و پرورش از یک طرف اعلام می‌کند هر تخطی در امور صنفی و دریافتی داشته‌اید بی‌بیاید اعلام کنید، از سوی دیگر معلم غیرانتفاعی می‌داند که هر گله و شکایتی، نتیجه‌اش این است که مدرسه‌اش را بخواهد و همین مبلغ ناچیز را هم از دست بدهد. «حرف که از استخدام با مزایای دیگر می‌شود به ما می‌گویند ما هیچ‌گونه تعهدی نسبت به شما نداریم.» و وظیفه‌ای که بر دوش معلم قرار دارد بسیار سنگین است و در این بین توقع‌ها از معلم مدرسه غیردولتی بیشتر (اولیا برای آموزش بچه‌شان هزینه کرده‌اند و خدمات عالی و ویژه می‌خواهند؛ طرف حساب‌شان هم معلم است. هر ایرادی از عملکرد مدرسه گرفته شود، متأسفانه به گردن معلم می‌افتد و من معلم هستم که باید پاسخگو باشم.» در دو سالی که همه‌گیری، مدارس حضوری را تعطیل کرد، عملاً همه کارهای آموزش از تولید محتوا گرفته تا برگزاری کلاس‌های آنلاین و پیگیری درست بچه‌ها، همه و همه به گردن معلم افتاده است. بسیاری از خانواده‌ها دیگر حاضر نشدند برای کلاس‌های غیر حضوری هزینه‌های چند ۱۰ میلیونی کنند و فرزندانشان را در مدارس غیرانتفاعی ثبت‌نام کنند و به همان آموزش مجازی در مدارس دولتی اکتفا کردند. ولی آن دسته از خانواده‌ها که بازم مدارس غیرانتفاعی را برای آموزش بچه‌ها بهتر دیدند، توقع‌شان از معلم چند برابر شده است. «چهار ماه تعطیل هستیم و بدون حقوق؛ نه بیمه داریم نه دریافتی درست و حسابی؛ هر سال هم این استرس را داریم که آیا سال آینده مدرسه ما را می‌خواهد یا نه؟ و چه قراردادی با ما می‌بندد.

محمدرضا نیک‌نژاد - کارشناس آموزش معلمان مدرسه‌های غیردولتی

عموماً دو دسته‌اند؛ کسانی که رسمی آموزش و پرورش هستند و با توجه به ارتباطات خود، سابقه تدریس و توانایی‌هایشان به مدارس غیردولتی فراخوانده می‌شوند. این گروه به صورت حق التدریسی کار می‌کنند. دسته دیگر معلم‌های آزاد هستند. این افراد عموماً با گزینش‌هایی از آموزش و پرورش تأیید و وارد مدارس غیردولتی می‌شوند. با توجه به فضای اشتغال در کشور و بی‌کاری فراوانی که در بین تحصیل کرده‌ها در ایران وجود دارد، بسیاری از فارغ التحصیلان به دلیل اینکه زمان و وقت و هزینه‌ای که برای تحصیل گذاشته‌اند، هدر نرود، به دنبال این هستند که جایی استخدام شوند که در این میان شاید دم‌دست‌ترین فضای اشتغال، مدارس غیردولتی است. این مدارس اتفاقاً به دلیل اینکه دست‌شان در جذب نیروی انسانی باز است، چهارچوب‌های خودشان را در بکارگیری این افراد تنگ می‌کنند و از سوی دیگر با توجه به گستردگی نیروهای علاقه‌مند، مزایایی که باید این مدارس در اختیار آنها قرار دهد، محدود می‌شود. البته مدارس غیردولتی هم چند دسته‌اند؛ مدرسه‌ای که شناخته شده و برند هستند به معلم‌های حرفه‌ای که اسم و رسم دارند حقوق‌های خوب می‌دهند، اما عموماً این معلم‌ها

معلم‌هایی که دلخوش به آینده، شرایط را تحمل می‌کنند

محسوب می‌شود. این شرایط را بگذارد در کنار حق الزحمه اندکی که معلم مدرسه غیردولتی می‌گیرد. در بسیاری از موارد هزینه‌ها و درآمدشان بری‌ه‌یر می‌شود و چیزی دست‌شان را نمی‌گیرد. توجه داشته باشید که در مورد نیروهای خرید خدمات آموزشی یا معلم‌های نهضتی یا معلم‌های حق التدریس، مدرسه دولتی است و فشارهای آموزشی بر معلم کم است. ولی در مدارس غیردولتی سطح توقع از این معلم‌ها خیلی زیاد است و در برخی موارد فشارهای زیادی به آنها وارد می‌شود. مثل امتحان‌های پشت سر هم و برگه تصحیح کردن‌های پشت هم و تحمیل روش‌های آموزشی از طرف مدرسه و نادیده گرفتن نگاه و سلیقه معلم در آموزش و از همه مهم‌تر نادیده گرفتن توانایی‌های این افراد در امر تدریس. عموماً فشارهای زیادی که به این معلم‌ها وارد می‌شود اقتدار و هویت معلمی را به چالش می‌کشد. معلم هم با توجه به اینکه ناچار است شرایط را بپذیرد، به این نوع از استثمار شدید و عریان‌تن می‌دهد. به علاوه قرارداد‌های این معلم‌ها هم بسیار سست است. قرارداد‌هایی که به شکل کاملاً

یک طرفه بسته می‌شود و به صراحت گفته می‌شود اگر از شما ناراضی باشیم کنار گذاشته می‌شوید یا اگر خانواده‌ها ناراضی باشند، مدرسه می‌تواند در هر لحظه از سال معلم را اخراج کند. فشارها و اجحاف‌ها بر این گروه از معلمان و دیگر گروه‌ها زیاد است و متأسفانه سازوکاری که در دولت یا نهادهایی وجود داشته باشد تا از حقوق این معلمان دفاع کند، نیست. نهادهای صنفی معلمان در کشور ما بسیار ضعیف هستند و نهایتاً می‌توانند اعتراضی و بیانیه‌ای صادر کنند. بر خلاف نهادهای صنفی معلمان در جهان که صدای اعتراض‌شان می‌تواند بی‌عدالتی‌ها در قرارداد و بیمه را به دادگاه بکشاند. در کشور ما عموماً نهادهای قدرت، از کارفرما حمایت می‌کند و متأسفانه این گروه‌های آسیب‌پذیر زیر چرخ اقتصاد و قدرت حاکم بر مدارس کار می‌کنند و صدایشان هم به جایی نمی‌رسد. بسیاری از آنها دلخوش به همین سابقه چند ساله معلمی هستند که شاید روزی آموزش و پرورش آنها را استخدام کند. با این حال دولت هم ساختار رسمی‌زدایی از نهادها را پیش گرفته است. ولی در گذشته پیش هم آمده در مقاطعی که نیاز بوده دولت دست به استخدام این نیروها زده و به همین دلیل هم این معلم‌ها دلخوش به آینده هستند و شرایط غیرعادلانه استخدامی را بپذیرد کرده‌اند.